

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۶ • چاپ: صمیم

شرق روزنامه

سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۵ • ۲۹ محرم ۱۴۴۸ • ۱۴ جولای ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۸۰۵۴۲۶ • صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۰ • اذان مغرب ۱۹:۴۲ • اذان صبح فردا ۳:۱۷ • طلوع آفتاب ۵:۰۰

www.sharghdaily.com

apararat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

سبزخوانی

سرنوشت تلخ رؤیاوامید

«رؤیا»، آخرین درنای سبیری مهاجر که در سال‌های اخیر به نمدادی از امید برای ادامه حضور این گونه ارزشمند در ایران تبدیل شده بود، پس از چند روز بستری و دریافت درمان‌های تخصصی دامپزشکی، تلف شد. سازمان حفاظت محیط زیست اعلام کرده است تلاش‌ها برای نجات این پرند به نتیجه نرسید.
براساس اعلام رسمی، نخستین علائم بیماری در غروب پنجشنبه ۱۸ تیرماه و پس از مشاهده بی‌اشتهایی و اختلال در تعادل این پرنده توسط تیمارگر ثبت شد. بلافاصله پس از گزارش این علائم، «رؤیا» تحت معاینه دامپزشکی قرار گرفت و درمان‌های اولیه آغاز شد. با این حال، به دلیل تداوم علائم و نیاز به بررسی‌های تخصصی‌تر، این درنای سبیری به یک مرکز تخصصی دامپزشکی ارجاع داده شد تا روند تشخیص و درمان با امکانات پیشرفته ادامه یابد.
پس از انتقال «رؤیا»، به مرکز تخصصی دامپزشکی، نتایج این بررسی‌ها از وجود یک فرایند عفونی فعال در بدن پرنده حکایت داشت. همچنین تصاویر رادیولوژی نشان داد دستگاه تنفسی «رؤیا»، به‌ویژه ریه‌ها و کیسه‌های هوایی، به‌شدت درگیر بیماری شده است. روح‌الله اسماعیلی، معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی اداره‌کل حفاظت محیط زیست مازندران می‌گوید: براساس یافته‌های آزمایشگاهی ونظر دامپزشکان، برنامه درمانی بر پایه نتایج کشت میکروبی و آزمون حساسیت آنتی‌بیوتیکی بازنگری و درمان دارویی هدفمند، در کنار مراقبت‌های حمایتی، برای این پرنده اجرا شد. همچنین وضعیت عمومی، کیفیت تنفس، تغذیه، سطح هوشیاری و پاسخ به درمان به صورت مستمر توسط دامپزشکان و تیمارگران پایش می‌شد و تمامی ظرفیت‌های تخصصی برای درمان و مراقبت از این درنای سبیری به کار گرفته شد.
اوافرود: با وجود انجام تمامی اقدامات تشخیصی، درمانی و مراقبت‌های تخصصی، این پرنده تلف شد. به منظور تعیین دقیق علت تلف‌شدن، کالبدگشایی تخصصی و نمونه‌برداری‌های لازم مطابق ضوابط دامپزشکی انجام شده و بررسی‌های آزمایشگاهی تکمیلی در دست انجام است. در بهمن ۱۴۰۱، ورود درنای بلژیکی «رؤیا» به تالاب‌های فریدونکنار، بار دیگر امید را به احیای مسیر مهاجرت درنای سبیری در ایران زنده کرد.
اوجنتی برای «امید»، آخرین درنای سبیری مهاجر به ایران، بود تا شاید پس از سال‌ها تنهایی این پرنده، زمینه بازگشت دوباره این گونه ارزشمند به مسیر تاریخی مهاجرتش فراهم شود.
هرچند این برنامه به نتیجه نرسید و درناهای امید و رؤیا روز ۱۴ اسفند پس از ۳۴ روز اقامت به صورت مشترک، تالاب بین‌المللی فریدونکنار را به سمت سبیری ترک کردند، اما درنای بلژیکی مسیر را ادامه نداده و در منطقه‌ای در عباس‌آباد تکابن در مازندران فرود آمد. اکنون با تلف‌شدن «رؤیا»، یکی از مهم‌ترین تلاش‌های سال‌های اخیر برای احیای جمعیت درنای سبیری در مسیر مهاجرت ایران نیز به پایان رسیده است.

اتفاق خوانی

یک ابرزمین کشف شد

گروهی از ستاره‌شناسان از کشف سیاره‌ای خیر داده‌اند که فقط ۲۵ سال نوری از زمین فاصله دارد و ممکن است آب مایع روی سطح خود داشته باشد. سیاره 3۳78b GJ را گروهی از اخترشناسان فرانسوی و با استفاده از تلسکوپ کاناد-فرانسه-هاوایی در رصدخانه مائوناکیا در سال ۲۰۲۴ شناسایی کرده بودند. در آن زمان، اندازه‌گیری‌ها نشان می‌داد جرم این سیاره حدود ۵.۲۶ برابر جرم زمین است. چنین جرمی آن را در محدوده سیاره‌هایی قرار می‌داد که معمولاً «نیپتون» نامیده می‌شوند؛ جهان‌هایی که احتمال دارد بیشتر از گاز تشکیل شده باشند تا سنگ. اما حالا پژوهشگران آمریکایی با بررسی دوباره داده‌ها و انجام صد‌های جدید با دو تلسکوپ دیگر، به نتیجه متفاوتی رسیده‌اند. آنها نشان داده‌اند جرم واقعی این سیاره ۲.۳ برابر جرم زمین است و به این ترتیب در رده ابرزمین‌های سنگی قرار می‌گیرد. این سیاره هر ۲۱ روز به دور یک ستاره کوتوله سرخ می‌گردد؛ ستاره‌ای کم‌نور که در صورت فلکی زرافه قرار دارد، در حالی که پیش‌تر تصور می‌شد دوره مداری آن ۲۵ روز باشد. همین اصلاح، جایگاه سیاره را نیز تغییر داده است. اکنون مشخص شده این جهان در منطقه قابل سکونت ستاره خود قرار دارد؛ محدوده‌ای که اگر سیاره دارای جو مناسب باشد، دما می‌تواند اجازه دهد آب به صورت مایع روی سطح آن باقی بماند. در این میان، بزرگ‌ترین نگرانی رفتار ستاره میزبان است.

عضو گروه ریاضی دانشگاه ملایر: چند روز پیش خبر کوتاهی منتشر شد؛ آن قدر کوتاه که شاید بسیاری از مردم با یک نگاه از کنار آن گذشته باشند. تیم علمی المپیاد ریاضی ایران در چهارمین دوره مسابقات بین‌المللی ریاضی شانگهای، با کسب چهار مدال طلا و دو مدال نقره، در میان دهه‌های تیم از کشورهای مختلف، مقام نخست را به دست آورد.

نام شش نوجوان در پایان خبر آمده بود؛ آریان زندی، ارشا عزیزالدین، سیدامیرحسین طیب، علیرضا شریفی، رادین نیک‌اقبالی و علی جوان‌بخش نجف‌آبادی. همین و بس. اما من هر بار که چنین خبرهایی را می‌خوانم، ناخودآگاه به چیزی فکر می‌کنم که در متن خبر وجود ندارد؛ به سال‌هایی که پشت این چند سطر پنهان شده است. هیچ دانش‌آموزی با یک مدال طلا المپیاد از خواب بیدار نمی‌شود. پشت هر مدال، سال‌ها زندگی خوابیده است؛ ساعت‌های طولانی حل مسئله، دفترهایی که بارها خط خورده‌اند، برهان‌هایی که نیمه‌کاره رها شده‌اند، سؤال‌هایی که شاید روزها ذهن یک نوجوان را درگیر کرده‌اند و البته معلمانی که بی‌بیاهو، چراغ این مسیر را روشن نگه داشته‌اند. اگر فقط نتیجه را ببینیم، بخش مهم داستان را از دست داده‌ایم. پیش از هر چیز، لازم است یک نکته را روشن کنیم؛ مسابقه‌ای که تیم ایران در آن به مقام نخست رسید، خود المپیاد جهانی ریاضی (IMO) نبود، بلکه چهارمین دوره مسابقات بین‌المللی ریاضی شانگهای یا International Mathematics Summer Camp (IMSC) بود؛ رقابتی معتبر که با حضور تیم‌های ملی و دانش‌آموزان برگزیده کشورهای مختلف برگزار می‌شود و از نظر علمی، یکی از مهم‌ترین میدان‌های آمادگی برای المپیاد جهانی به شمار می‌آید. بنابراین این موفقیت را باید پیش‌درآمدی امیدوارکننده برای حضور ایران در مهم‌ترین رقابت ریاضی دانش‌آموزی جهان دانست. این مسابقات حافظه را نمی‌سنجند؛ شخصیت علمی را می‌سنجند. میزان صبر، قدرت تحلیل، خلاقیت، نظم ذهنی و توانایی مواجهه با مسئله‌ای که پیش از آن هرگز دیده نشده است. شاید به همین دلیل باشد که بسیاری از برندگان المپیادهای ریاضی، بعدها نه فقط در ریاضیات، بلکه در علوم رایانه، هوش مصنوعی، فیزیک، اقتصاد، پزشکی و حتی کارآفرینی نیز به موفقیت‌های بزرگ دست یافته‌اند. آنان یک مهارت مشترک آموخته‌اند؛ چگونه با مسئله‌ای ناشناخته روبه‌رو شوند و از آن ترسند. متأسفانه ما در سال‌های اخیر، بیش از آنکه از چنین روحیه‌ای سخن بگوییم، درباره نمره، رتبه، آزمون و کنکور حرف زده‌ایم. گوئی هدف آموزش، صرفاً عبور از یک امتحان است. در حالی که آموزش واقعی از جایی آغاز می‌شود که دانش‌آموز از خودش بی‌رسد «چرا؟» همان سوآلی که زیرپای همه پیشرفت‌های علمی بشر بوده است. به همین دلیل است که خبر موفقیت این شش نوجوان را نباید فقط یک خبر ورزشی یا یک افتخار مقطعی تلقی کرد. این خبر، اگر درست خوانده شود، آینه‌ای است که بخشی از آینده ایران را نشان می‌دهد؛ آینده‌ای که نه با منابع طبیعی، بلکه با کیفیت اندیشیدن نسل جوان ساخته خواهد شد. آنچه بیش از



تنگه هرمز تا اطلاع ثانوی بسته است. عکس مربوط به وضعیت تنگه هرمز و ساکنان این منطقه در عصر یکشنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۵ است.

عکس: راضیه بودات، ایسنا

شکوفایی دانش در میانه جنگ

درخشش تاریخی المپیاد فیزیک ایران در کلمبیا

در انحصار دانش‌آموزان چینی بود، به ایران بیاورد. این موفقیت، اگرچه افسوس‌مندانه نشان‌دهنده تحولی اساسی در نظام آموزشی ایران نیست، یعنی گذر از آموزش صرفاً نظری به سمت تقویت مهارت‌های عملی و آزمایشگاهی که پیش‌نیاز هر تحول علمی بزرگی است، اما می‌تواند جرقه‌ای باشد برای تغییر رویکردهای آموزشی در کشور. اهمیت این موفقیت وقتی دوچندان می‌شود که بدانیم این المپیاد در شرایطی برگزار شد که ایران تازه از یک جنگ تمام‌عیار و یک دوره طولانی قطعی اینترنت بیرون آمده بود. ذهن‌های درخشان ایرانی حتی در میان غبار نبرد و فشار تحریم‌ها نیز از حرکت بازماندند. این دانش‌آموزان ثابت کردند سرمایه اصلی ایران، نه نفت و گاز، بلکه مغزهای خلاق و پویای جوانانش هستند. این جوانان و استادانی که تیم را آماده کردند، سزاوار تشویق ملی هستند که توانستند در این وضع دشوار روانی، چنین دستاوردی را به ارمغان بیاورند. در جدول غرر سیرمی رتبه‌بندی کشورها، تیم‌های چین، روسیه، قزاقستان، کره جنوبی، تایوان و هند با کسب پنج طلا در صدر ایستادند و ایران با سه طلا و دو نقره، جایگاه قابل قبولی در میان رقبای سنتی خود پیدا کرد. امید است این موفقیت درخشان، هشداری باشد برای قدردانستن این سرمایه‌های بی‌بدیل. نخبگانی که توانسته‌اند در سخت‌ترین شرایط، برای ایران افتخار بیافرینند، شایسته حمایت همه‌جانبه و حفظ ارتباط مستمرشان با بدنه علمی کشور هستند. شکوفایی علمی ایران در گرو پاسداشت چنین استعدادهایی است که در دل بحران‌ها، چشم‌انداز فردایی روشن‌تر را ترسیم می‌کنند.

چشمانداز فردایی روشن‌تر را ترسیم می‌کنند.

فرا‌تر از چهار مدال طلا

چرا خبر قهرمانی تیم المپیاد ریاضی ایران را باید جدی گرفت؟

همه در این موفقیت توجه‌مر را جلب می‌کند، این است که این شش نوجوان، نماینده هزاران نوجوان دیگری هستند که شاید هرگز نامشان در رسانه‌ها نیاید. پشت این شش نفر، سال‌ها تلاش خانواده‌ها، معلمان، مربیان باشگاه دانش‌پژوهان جوان و صدها دانش‌آموزی قرار دارد که در مراحل مختلف المپیاد شرکت کرده‌اند؛ برخی تا مرحله اول آمده‌اند، برخی تا مرحله دوم، بعضی به دوره تابستانی رسیده‌اند و تعدادی نیز در اردوهای تیم ملی، فقط چند قدم با پوشیدن پیراهن تیم ایران فاصله داشته‌اند. همه آنها، به یک معنا، بخشی از این موفقیت‌اند. جامعه ما گاهی ارزش موفقیت‌های علمی را فقط با تعداد مدال‌ها یا رتبه‌ها می‌سنجد؛ در حالی که اثر واقعی چنین رویدادهایی بسیار عمیق‌تر است. هر بار که یک نوجوان ایرانی در یک رقابت علمی جهانی می‌درخشد، در واقع پیامی به هم‌نسلان خود می‌دهد؛ اینکه می‌توان با تلاش، مطالعه و پشتکار نیز دیده شد. اینکه راه موفقیت فقط از شهرت، ثروت یا هیاهوی فضای مجازی نمی‌گذرد. هنوز هم می‌توان ساعت‌ها با یک مسئله درگیر شد و از حل آن لذت برد.

ریاضیات، برخلاف تصور رایج، علم حفظ‌کردن نیست. ریاضیات، هنر پرسیدن سؤال درست است. هنر دیدن نظمی که دیگران از کنار آن عبور می‌کنند. هنر ساختن برهان برای چیزی که در نگاه اول بدیهی به نظر می‌رسد. اگر این نگاه به دانش‌آموز منتقل شود، دیگر ریاضی فقط یک درس نخواهد بود؛ به ابزاری برای اندیشیدن تبدیل می‌شود. از سوی دیگر، نباید فراموش کنیم که امروز بیش از هر زمان دیگری، جهان بر پایه ریاضیات اداره می‌شود. هوش مصنوعی، علوم داده، امنیت سایبری، رایانش کوانتومی، مدل‌سازی اقلیم، اقتصاد دیجیتال، زیست‌شناسی محاسباتی و ده‌ها حوزه دیگر، همگی بر شانه‌های ریاضیات ایستاده‌اند. بی‌شک هر کشوری که در آموزش ریاضی سرمایه‌گذاری کند، در حقیقت برای آینده علمی، مهندسی، فناوری، صنعتی و اقتصادی خود سرمایه‌گذاری کرده است. راستش را بخواهید، نگرانی من هیچ‌گاه کمبود استعداد در ایران نبوده است. در طول سال‌های تدریس، دانشجویان و دانش‌آموزان درخشان‌ی دیده‌ام که هرگز کم می‌توانستند در بهترین دانشگاه‌های دنیا بدرخشند. نگرانی من همیشه چیز دیگری بوده است؛ اینکه استعدادها را دیر پیدا می‌کنیم، دیر تشویق می‌کنیم و گاهی خیلی زود فراموششان می‌کنیم. خبرهای علمی در کشور ما عمر کوتاهی دارند. دو روز درباره آنها حرف می‌زنیم، چند پیمان تیریک منتشر می‌شود و بعد همه چیز به دست فراموشی سپرده می‌شود؛ انگار نه انگار که پشت هر مدال، سال‌ها زندگی، امید و تلاش نهفته است.

به گمانم وقت آن رسیده است که این نگاه را تغییر دهیم. موفقیت علمی فقط موفقیت یک فرد نیست؛ موفقیت یک فرهنگ است. فرهنگی که در آن معلمی حاضر شده ساعت‌ها کنار دانش‌آموز بنشیند، خانواده‌ای سختی‌های این مسیر را تحمل کرده، مدرسه‌ای فرصت رشد فراهم آورده و نوجوانی تصمیم گرفته به جای انتخاب راه آسان، راه دشوار اندیشیدن را انتخاب کند. در چنین لحظه‌هایی، نام بانوی ریاضیات ایران، مرحوم مریم میرزاخانی نیز

۲۲

بانک

بانک مرکزی آمار وام‌ها کلان پرداختی ۲۲ بانک و مؤسسه اعتباری و فهرست ابریده‌کاران این بانک‌ها را به‌روزر کرد. البته چهار بانک امسال با حمله سایبری دچار اختلال شده بودند. پیش از این، در جنگ ۱۲روزه نیز دو بانک دچار اختلال شده بودند. بانک مرکزی از سال ۱۴۰۲ به‌طور منظم، تسهیلات کلانی را که بانک‌ها به اشخاص و شرکت‌ها پرداخت کرده‌اند و به صورت جاری در حال پرداخت اقساط هستند یا اقساط آنها پرداخت نشده و صاحبان آنها به عنوان ابریده‌کار شناخته می‌شوند، به صورت فصلی منتشر می‌کند.

یادداشت

نابرابری در ماراتن

نفس‌گیر آزمون‌های نهایی

مهدی‌ملک‌محمد

روان‌شناس

سرانجام آزمون‌های نهایی پایه‌های یازدهم و دوازدهم بعد از ابهامات فراوان و چند بار تغییر، از روز یکشنبه هفته جاری آغاز شد و نزدیک به سه میلیون دانش‌آموز محصل در این پایه‌ها و نیز داوطلبان آزاد که در پی ترمیم معدل هستند، ماراتن نفس‌گیری را آغاز کردند که نتیجه آن متأسفانه هنوز متغیری تعیین‌کننده در آینده دانش‌آموزان است. اگر اصل را بر این یافته مهم عصب‌شناسی قرار دهیم که پیش‌بینی‌ناپذیری و ابهام مهم‌ترین عوامل استرس در انسان هستند، می‌توانیم نتیجه بگیریم دانش‌آموزان پایه‌های یازدهم و دوازدهم به دلیل وقوع جنگ و تعطیلی مدارس، سال بسیار پُراسترسی را پشت سر گذاشته‌اند. اما آنچه سطح استرس در دانش‌آموزان این پایه‌ها را افزایش داد، انفعال و ابهام در تصمیم‌گیری وزارت آموزش و پرورش بوده و هست؛ بزرگ‌ترین وزارتخانه دولت که بارها نشان داده توان تصمیم‌گیری در مواقع بحران را ندارد و به‌راحتی اختیار آن را به نهادهای دیگر می‌سپارد و به همین دلیل حتی پس از آتش‌بس هم تا چند هفته ناتوان از تصمیم‌گیری درباره زمان امتحانات نهایی بود و منتظر به نتیجه رسیدن مذاکرات ایران و آمریکا. شوربختانه زمان آتش‌بس به‌سرعت گذشت و دانش‌آموزان دقیقاً در زمانی ماراتن نهایی را آغاز کردند که جنوب کشورمان دوباره با تجاوز ارتش ایالات متحده مواجه شده است. هرچند این حملات تاکنون در مقیاسی کوچک‌تر از جنگ رمضان صورت گرفته اما آیا مغز دانش‌آموزان نوجوان در عصر دیجیتال می‌تواند بی‌تفاوت به اخبار باشد؟ حال‌بیابید موضوع را دقیق‌تر ببینیم؛ نتیجه آزمون‌های نهایی پایه‌های یازدهم و دوازدهم بر اساس قوانین جدید تصویب‌شده در سال‌های اخیر، متغیری بسیار مهم در ورود به دانشگاه است. ورود به دانشگاه‌های برتر کشور نیز متأسفانه هنوز بر اساس رقابتی سخت بین دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. این رقابت نیز باید صرفاً بر اساس میزان تلاش دانش‌آموزان و تسلط آنها بر مطالب کتاب‌های درسی باشد. اما با انفعال نهاد آموزش و پرورش این رقابت اکنون به صورتی نابرابر به پیش می‌رود؛ دانش‌آموز سال دوازدهم دبیرستانی در جنوب کشور که شب‌های اخیر با صدای پدافندها و جنگنده‌ها و انفجارها از خواب می‌پرد را با مقایسه کنبد با دانش‌آموزی در همان پایه در پایتخت یا شمال و شرق و غرب کشور، سؤال‌انیز برای همه دانش‌آموزان در سراسر کشور یکسان است. اگر سال‌هاست که شعار مرکززدایی و توجه به ویژگی‌های بومی هر استانی را می‌دهیم و از همین‌رو رئیس‌جمهور اختیارات بسیاری به استانداران تفویض می‌کند، پس چگونه مدیران عالی وزارت آموزش و پرورش در برابر این نابرابری آشکار که عدالت آموزشی را بیش از پیش نشانه رفته سکوت می‌کنند و حتی از یک همدلی زبانی ساده هم سر باز می‌زنند. و پاسخ به این سؤال مهم آشکارکننده بسیاری از مسائلی است که در آموزش و پرورش جریان دارد؛ آیا اگر این شب‌ها به‌جای جنوب کشور، پایتخت، مورد تجاوز دشمن قرار بگیرد بازهم برنامه آزمون‌های نهایی تغییر نخواهد کرد؟ بماند که بی‌عدالتی آموزشی به‌ویژه در زمینه‌ی ورود به دانشگاه سال‌هاست دغدغه کارشناسان و متخصصان حوزه آموزش است و هر سال وضعیت در این زمینه بحرانی‌تر می‌شود. خبر برتری دانش‌آموزان مدارس ویژه (مدارس استعدادهای درخشان و غیردولتی) از همین شش نوجوان به کنفی برسد که زندگی میلیون‌ها انسان را تغییر دهد؛ شاید استاد دانشگاهی بزرگ شود، شاید پژوهشگری اثرگذار، شاید معلمی الهام‌بخش، هیچ‌کس آینده را نمی‌داند، اما یک چیز را می‌توان با اطمینان گفت؛ هر جامعه‌ای که برای اندیشیدن ارزش قائل شود، برای آینده خود سرمایه‌گذاری کرده است و چه سرمایه‌ای ارزشمندتر از نوجوانی که هنوز باور دارد جهان را می‌توان با یک ایده، یک برهان و یک فکر تازه، اندکی بهتر از دیروز کرد؟

۸۰۰

تومان

رمالی که با تبلیغات گسترده در فضای مجازی و فریب شهروندان به فعالیت مشغول بود، با دعانویسی و طلسم، مبالغ کلانی از قربانیان دریافت می‌کرد. او به‌تازگی دستگیر شده است و بررسی‌ها نشان می‌دهد در آمد ماهانه او بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ میلیون تومان بوده است. او همچنین با ضرب و جرح اقدام به سرقت حدود یک کیلو ۲۰۰ گرم طلا کرده بود. متهم اعتراف کرد حدود چهار سال است با وعده‌هایی همچون بخت‌گشایی، افزایش رزق، بازگشت معشوق و باطل‌کردن سحر و طلسم، از شهروندان مبالغی بین ۵۰۰ هزار تا هفت میلیون تومان دریافت می‌کرد.

عزیز را بسازند.